

«خاطرات مدرسه یادت نره»



بچه ہا، اینک کہ نام فارغ التحصیل برومی شماست

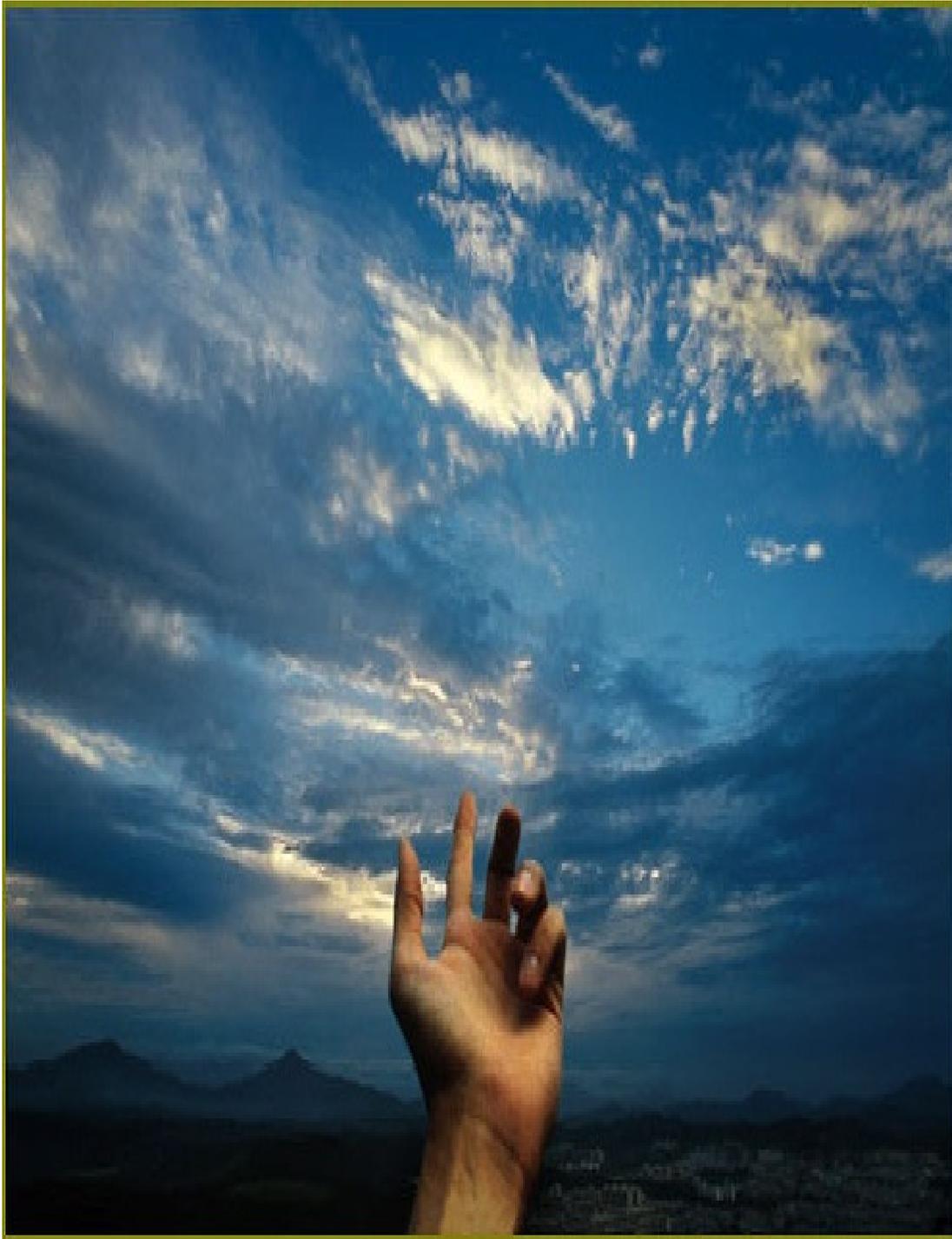
این تصویر نابہ جاست:

«من دکر درسم تامم والوداع ای مدرسه»

نقطہ پرواز تو اینجاست، این یادت نره.



می توانی، همچو شاهین فضا پر واکنی
بگذری از سنگنای جهل خود
از فضای خیس عشق
تا بلندای محبت بروی
کوهر دانش بجویی در شریا
باز آری کوهر از دوش شریا به زمین
می توانی، می توانی که بخوابی!



آسمان، جولانگه پرواز توست
هر کجا هستی، هستی مال توست
رویش غربت چه معنای دهد
در سر آن کس که اندیشه والا دارد
تنبلی را به کناری بگذار
سعی کن در غربت دور از وطن
جام سرخ معرفت، فرسنگ و عشق
بامی پاک شریعت پر کنی



باشمايم قاصدك هـي اميد
قصه ايران و مردان دلير
داستان آرش و عشق وطن، يادت نره



قصه جنگ و رشادت های مردان دلیر

لاله های سرخ دشت جهنم ها

انقلاب و میهن اسلامیت یادت نره



خاطرات مدرسه با آن معلم های ناز
آن معلم های خندان و همیشه سرفراز
آن معلم های بی باک و صبور
آن معلم ها که از پروازتان
غنچه بخندشان وامی شود، یادت نره



بوسه بر دستانشان
ارتباطی مستمر تا صید علم
با عزیزان خودت، یادت نره



ای همه جویندگان در علم و معرفت
این، بدان فرزند شرقی ای پسر

سرزمین قصه و اسطوره ها

از تبار رادمردان و دلیران

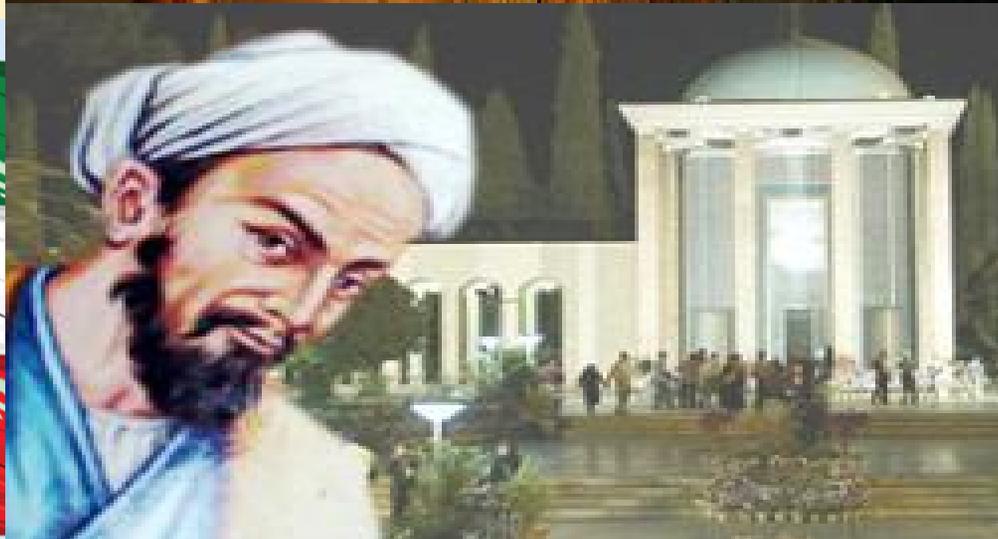
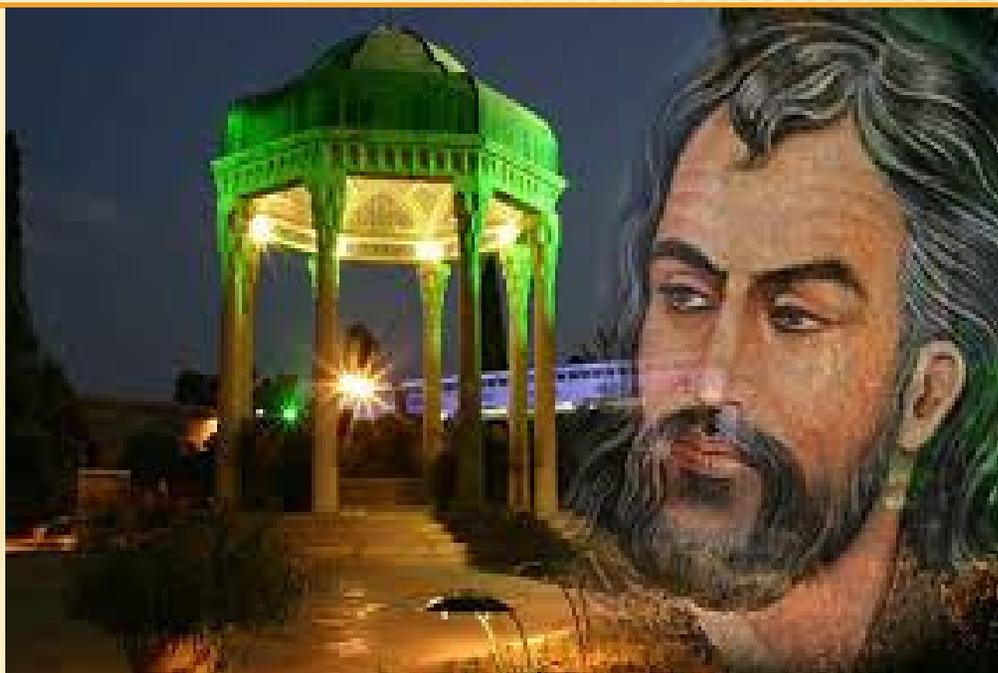
از تبار رستم دستان

« شیر شیران »

کوه کوهان»



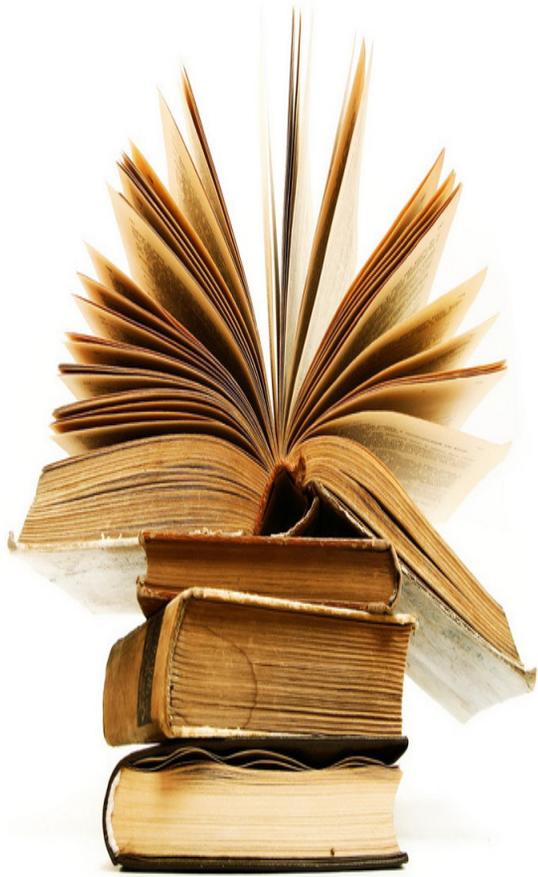
از تبار نیک مردان
از تبار حافظ و سعدی
از تبار جامی و تختی
از تبار صد هزاران افتخار و عالم نامی
از تبار یادگاران کهن، هستی تو، این یادت نره





خاطرات مدرسه زیبا ترند
«یادگاران کهن، مانا ترند»
یاد تخته، یاد درسامی کلاس
یاد های و یاد هوی بچه ها
این همه عشق و امید و خاطره
خاطرات مدرسه یادت زره





تا ابد سر سبز باشی و سلامت
در ره دانش پویی و سعادت
قدردان والدینت باشی و یاد معلم
این دعای من به تو یادت نره



سروده: حسین فرجی سرکرده زبان و ادبیات فارسی امارات و مدرس مجتمع آموزشی توحید پسران دبی